

امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت

علی جباری*

اشاره

امام حسن عسکری علیه السلام یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام است. حضرت نه تنها در منظر شیعیان بلکه در دیدگاه علما و شخصیت‌های دیگر مذاهب جهان اسلام نیز از جایگاه والا و با عظمتی برخوردار است و اعتراف دارند که حضرت از حیث علمی و تقوا سرآمد همه مردم عصر خود بوده است. آنچه که ملاحظه می‌نمایید جایگاه امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت است

۱. ولادت

امام حسن بن علی علیه السلام، پیشوای یازدهم شیعیان، در ۸ ربیع‌الثانی^۱ سال ۲۳۲ هجری،^۲ در سامرا^۳ به دنیا آمد. کنیه‌اش، ابو محمد^۴ و همچون پدر بزرگوارش، ملقب به عسکری هست.^۵ سکونت

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. داودبن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۷۹.

۲. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. محمدبن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۷۹.

ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۷۹.

۳. سبطبن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل‌بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص

۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص

۳۵۴.

۵. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل‌بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص

۱۱۳، ص ۱۵۸. ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص ۳۵۴.

امام علیه السلام در سامرا، علت اطلاق این لقب بر ایشان بود.^۱ نام مادر ایشان، سوسن بود.^۲

۲. نقش انگشتر

نقش انگشترهای ایشان: «مَنْ لَانَتْ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ»،^۳ «اللَّهُ شَهِيدٌ»^۴ و «سُبْحَانَ مَنْ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵ بود.

۳. امامت

امام حسن عسکری علیه السلام به علت وجود فضایل بسیار و برتری ایشان از نظر علم و تقوا و زهد و عقل بر همه مردم روزگار خویش و همچنین وجود نص بر امامت ایشان از جانب پدرشان، شایسته امامت بود.^۶

یحیی بن یسار عنبری می‌گوید: امام دهم، امام علی النقی علیه السلام، چهار ماه قبل از وفات خویش، فرزندش را به‌عنوان امام بعد از خود معرفی کرد و من و تعدادی از موالی را بر این امر شاهد گرفت.^۷

۴. کرامات و معجزات

ابی هشام بن عدی می‌گوید: وقتی معتز امر کرد که امام را به کوفه ببرند، نامه‌ای به ایشان نوشتم و عرض کردم: این چه خبری است که به ما رسیده و ما را غمگین کرده است! امام حسن علیه السلام در پاسخ نوشت: «سه روز دیگر، فرج حاصل می‌شود؛ ان شاء الله تعالی». معتز عباسی، در سومین روز از دنیا رفت.^۸

ابی هاشم جعفری می‌گوید: از امام حسن علیه السلام شنیدم که می‌گفت: «در بهشت، دری است که به آن باب المعروف می‌گویند و فقط نیکوکاران و اهل خیر از آن داخل می‌شوند.» پس از

۱. شمس‌الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳.

۲. سیط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۳۲۴. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۸۰.

۳. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۸۰.

۴. همان؛ ص ۱۸۱.

۵. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۱.

۶. همان؛ ص ۱۰۷۸.

۷. همان؛ ص ۱۰۷۹.

۸. همان؛ ص ۱۰۸۲.

شنیدن این سخن، در دلم خدا را شکر کردم و خوشحال شدم که حوائج مردم را برآورده می‌کنم. امام نگاهی به من کرد و فرمود: «از آنچه به آن فکر می‌کنی، آگاهم. به درستی که نیکوکاران در دنیا و آخرت اهل خیر به شمار می‌روند. خدا تو را از آنها قرار دهد و پیامرزد.»^۱

ابوهاشم جعفری می‌گوید: با گروهی از شیعیان در زندان بودیم که امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش، جعفر را نیز به آن زندان آوردند. من دلم به حال ابو محمد علیه السلام سوخت. مأمور زندان آن حضرت، صالح بن وصیف بود. مردی از قبیله جمح نیز با ما در زندان بود که می‌گفت علوی است. ابو محمد علیه السلام مخفیانه به من فرمود: «اگر مردی که از شما نیست، در بین شما نبود، به شما چیزهایی می‌آموختم تا از اینجا نجات پیدا کنید. از این مرد بترسید؛ او آنچه را شما درباره‌اش صحبت می‌کنید، برای خلیفه می‌نویسد و اطلاع می‌دهد. کاغذی همراه اوست که می‌خواهد با حيله‌ای آن را به خلیفه برساند.»

ابوهاشم می‌گوید: همگی سراغ آن مرد رفتیم و لباس‌هایش را بررسی کردیم و نوشته‌ای را بین لباس‌هایش یافتیم که بر ضد ما بدگویی کرده بود.^۲

محمد بن حمزه دوری می‌گوید: از طریق ابوهاشم جعفری، نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم و از ایشان خواستم تا از خدا بخواهد که مرا غنی و ثروتمند گرداند. حضرت جواب داد: «بشارت می‌دهم که خدا تو را غنی خواهد کرد. پسر عمه تو، یحیی بن حمزه، از دنیا رفته و صد هزار درهم مال از او بر جای مانده و غیر از تو، وارثی ندارد و آن مال، به تو خواهد رسید. خدا را شکر کن و در مصرف آن دقت کن و اسراف نکن که از کارهای شیطان است.»

همان‌گونه که امام فرموده بود، بعد از مدت اندکی، خبر مرگ پسر عمه‌ام به من رسید و آن اموال نیز در دست من قرار گرفت و فقر و نداری‌ام برطرف شد. حقوق الهی را پرداخت کردم و به دیگران نیز از آن مال بخشیدم و بعد از آن، در خرج مال دقت کردم؛ در حالی که قبلاً اهل اسراف بودم.^۳

اسماعیل بن محمد عباسی می‌گوید: از حاجتی که داشتم، خدمت ابو محمد حسن علیه السلام شکایت کردم و قسم یاد کردم که هیچ مبلغی نزد من نیست. امام فرمود: «قسم دروغ یاد کردی؛ در صورتی که دویست دینار در زیر زمین پنهان کرده‌ای؛ البته این حرف را از آن جهت نمی‌گویم

۱. همان.

۲. همان؛ ص ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵.

۳. همان؛ ص ۱۰۸۳.

که چیزی به تو ندهم.» بعد به غلامش فرمود: «هر مقدار پول همراهت هست، به او بده.» غلام صد دینار به من داد. سپس، امام رو به من کرد و فرمود: «آن پول‌هایی را که پنهان کرده‌ای، با وجود نیاز شدیدی که به آن داری، از دست خواهی داد.»

اسماعیل می‌گوید: به مکان پول‌ها رفتم و آنها را به جای دیگری انتقال دادم که هیچ‌کس از آن مطلع نبود. بعد از مدتی که به آنها احتیاج پیدا کردم، به سراغش رفتم؛ ولی پول‌ها را نیافتم. فهمیدم که پسر من از مکان آنها مطلع شده و همه را دزدیده و فرار کرده و چیزی از آن پول‌ها به من نرسید. ماجرا همان گونه شد که امام حسن علیه السلام فرموده بود.^۱

عیسی بن فتح می‌گوید: وقتی ابو محمد علیه السلام وارد زندان شد، به من گفت: «ای عیسی! سنّ تو ۶۵ سال و یک ماه و دو روز است.» کتابی همراه من بود که در آن، تاریخ ولادتم نوشته شده بود. به آن نگاه کردم، دیدم همان طور است که ایشان فرمود. سپس، حضرت پرسید: «آیا فرزندی داری؟» گفتم: نه. فرمود: «خدا یا! به او فرزندی عنایت کن که کمکش باشد.» گفتم: مولای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: «والله! صاحب فرزندی خواهم شد که زمین را پُر از قسط و عدل خواهد کرد؛ ولی الآن فرزندی ندارم.»^۲

۵. شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام، در ۸ ربیع الاول^۳ سال ۲۶۰ هجری،^۴ در سامرا به شهادت رسید و در کنار مزار پدرش، امام هادی علیه السلام مدفون گردید.^۵

۱. همان؛ ص ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴.

۲. همان؛ ص ۱۰۸۷.

۳. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹.

۴. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۳۲۴. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹.

۵. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵.

پس از انتشار خبر شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا، همه شهر یک صدا می گفتند: ابن الرضا از دنیا رفت. بازارها تعطیل و دکانها بسته شد. بنی هاشم و لشکریان و قضات و دیگران، آماده شدند تا در تشییع جنازه ایشان حاضر شوند و وضعیت سامرا، شبیه قیامت شد.^۱

کتابنامه

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (م ۵۹۷)؛ المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا؛ ج اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
۲. _____؛ صفة الصفة؛ تحقیق عبدالسلام هارون؛ بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر (م ۶۸۱)؛ وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان؛ تحقیق احسان عباس؛ قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (م ۸۵۵)؛ الفصول المهمة فی معرفة الائمة؛ تحقیق سامی الغریبی؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء الحافظ اسماعیل بن عمر (م ۷۷۴)؛ البداية و النهایة؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۶ م.
۶. ابوالفداء، اسماعیل بن علی بن محمود (م ۷۳۲)؛ تاریخ ابی الفداء المسمی المختصر فی اخبار البشر؛ تحقیق محمود دیوب؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۷. بناکتی، داود بن محمد (م ۷۳۰)؛ تاریخ بناکتی روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب؛ به کوشش جعفر شعار؛ تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ش.
۸. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (م ۹۲۷)؛ وسیلة الخادم الی المنخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: انصاریان، ۱۳۷۵ ش.
۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸)؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف (م ۷۵۷)؛ معارج الوصول الی معرفة آل

ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص ۳۵۴. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و

الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰.

۱. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۸.

- الرسول و البتول؛ تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، [بی تا].
١١. زمخشری، جارالله (م. ٥٨٣)؛ ربیع الأبرار و نصوص الأخیار؛ بیروت: مؤسسة اعلمی، ١٤١٢ق.
١٢. سبط بن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی (م ٦٥٤)؛ تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة؛ قم: منشورات الشریف رضی، ١٤١٨ق.
١٣. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار التراث، دوم، ١٣٨٧ق.
١٤. نصیبی، محمد بن طلحه (م ٦٥٢)؛ مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول؛ تصحیح عبدالعزیز طباطبایی؛ بیروت: البلاغ، ١٤١٩ق.
١٥. واقدی، محمد بن سعد کاتب (م. ٢٣٠)؛ الطبقات الکبری؛ تحقیق: عبدالقادر عطا؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٠ق.